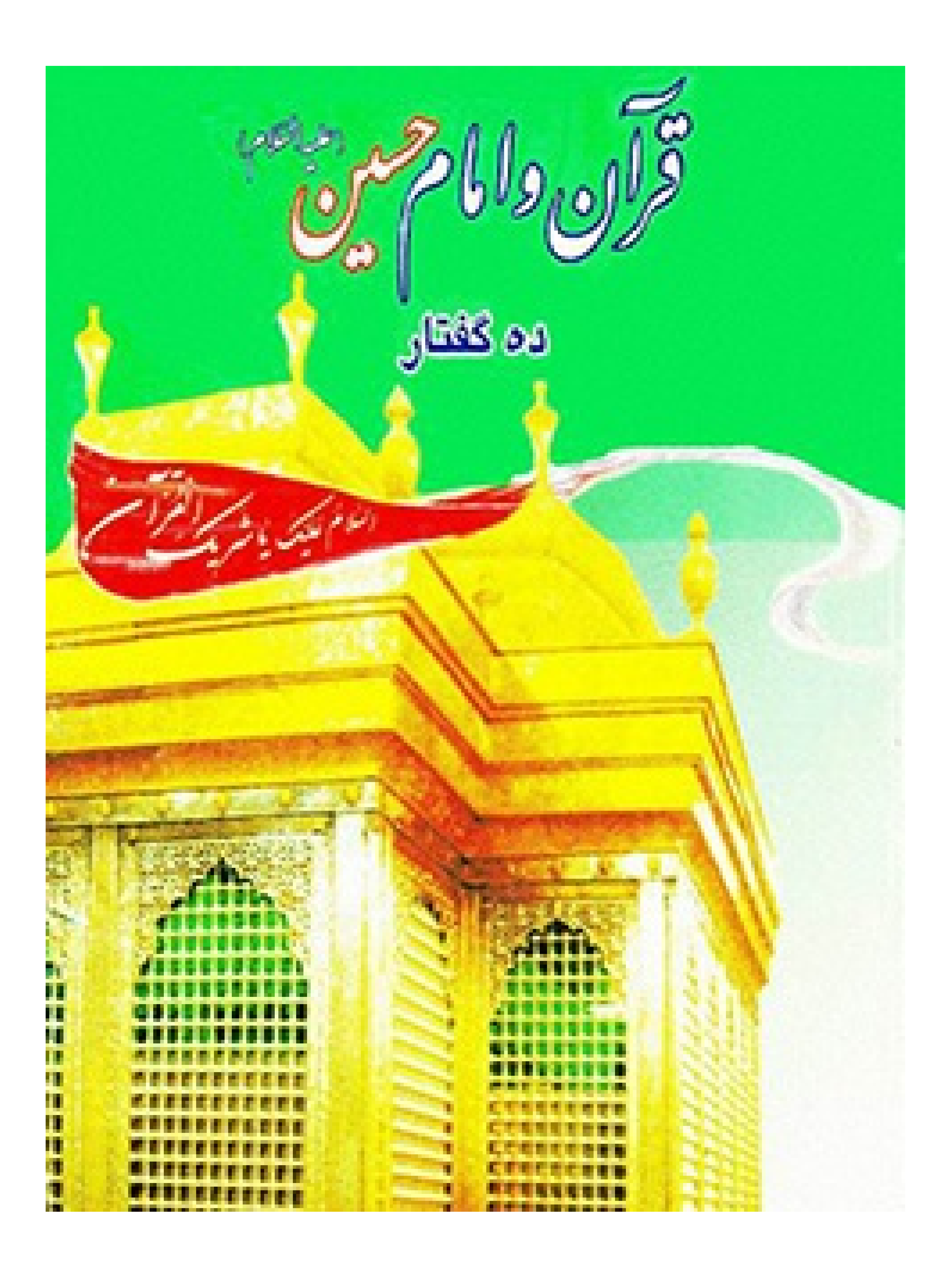

قرآن و امام حسین
ده گفتار
السلام علیک یا شریک القرآن


بسم الله الرحمن الرحیم

قرآن و امام حسین (علیه السلام) - ده گفتار

نویسنده:

محسن قرائتی

ناشر چاپی:

مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

قرآن و امام حسین علیه السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه : قرائتی، محسن، ۱۳۲۴ -

عنوان و نام پدیدآور : قرآن و امام حسین(ع) (ده گفتار)/ محسن قرائتی.

مشخصات نشر : تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری : [۶۴] ص.؛ ۵/۱۰ × ۱۴ س م.

شابک : ۲۲۰۰ریال : ۹۷۸-۹۶۴-۵۶۵۲-۳۱-۷

یادداشت : چاپ دهم.

یادداشت : کتابنامه: ص. [۶۱-۶۴].

موضوع : حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴ - ۶۱ق.

موضوع : واقعه کربلا، ۶۱ق.

شناسه افزوده : ستاد اقامه نماز و احیای زکات. روابط عمومی

شناسه افزوده : مرکز فرهنگی درسهائی از قرآن

رده بندی کنگره : BP۴۱/۴/ق ۳۵ق ۴ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۵۳

شماره کتابشناسی ملی : ۲۱۷۳۱۱۴

ص: ۱

۱- مقدمه

قرآن و امام حسین » مقدمه

«بسم اللّه الرّحمن الرّحیم»

الحمدللّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله اجمعین

سالهاست در فکر ترویج تفسیر قرآن هستم و در این راستا خداوند توفیقاتی مرحمت فرموده است. در سال هشتاد که از حج برگشتم، پیشنهاد دوستان در ستاد تفسیر، مرا در شب و روز عید غدیر به فکر واداشت که آیا می توان مسیر سخنرانی های محرم را قرآنی کرد، یعنی سیمای امام حسین علیه السلام و اهداف آن عزیز را ومسائل کربلا و صحنه هایی که پیش آمد از جهاد، تصمیم، عشق، ایمان، خلوص و شهادت تا نماز، پذیرش عذر و

توبه ی حُر تا پیشگامی حضرت در فرستادن فرزندش قبل از دیگران به میدان نبرد و تا آیاتی که حضرت از آغاز سفر تا کربلا تلاوت فرمودند و تا وفاداری یاران و امثال آن را که صدها آیه ی قرآن به آن اشاره دارد، در قالب قرآن مطرح کنیم تا محتوای سخنرانی ها، قرآن، ولی نمونه های عینی و مصادیق آن از کربلا باشد.

با خود گفتم که اگر قرآن به جای مسائل دیگر مطرح شود، آثار نورانی خود را در دل ها خواهد داشت و نوعی مهجوریت زدایی از قرآن خواهد بود، به علاوه جمله ی معروف پیامبرصلی الله علیه وآله را که فرمود: هرگز میان قرآن واهلبیت من فاصله ای نیست، با تمام وجود لمس خواهیم کرد. «انّی تارکٌ فیکم الثّقلین کتاب اللّه و عترتی ما اِن تمسّکتم بهما لن تَضلّوا ابداً فاِنّهما لن یفترقا حتّی یَردا علیّ الحوض»

گفتم: اگر این فکر بخواهد پخته و بی عیب مطرح شود، زمان زیادی می خواهد، ولی از سوی دیگر از دست دادن محرم نیز حیف است. لذا تقریباً در یک شبانه روز آیاتی که با حرکت امام حسین علیه السلام ارتباطی داشت در ده گفتار به قلم آوردم که در هر گفتار حدود ده تا بیست آیه ی مناسب را به دوستان مبلّغ و سخنران ارائه دهم و البتّه آن عزیزان آیات و روایات مشابه را به آن اضافه خواهند کرد و این مقدمه ای باشد که

کم کم اُنس ما به قرآن بیشتر شود و به رهبران معصوم نزدیک تر شویم.

امام رضاعلیه السلام فرمود: اگر از هرچه من گفتم سؤال کنید که از کدام آیه استفاده کرده ام؟ جواب خواهم داد که این سخن من برخاسته از فلان آیه است.

گفتار اوّل برگرفته از کتاب «همگامی امام حسین با قرآن» و گفتار سوّم را از «موسوعه کلمات امام حسین» و باقی گفتارها را به لطف خدا خودم نوشتم.

به امید روزی که همه ی داستان های ما قرآنی، استدلال ها قرآنی، درسهای عرفان، اخلاق و عقائد قرآنی، مسائل زندگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و نظامی ما قرآنی، روابط بین الملل و حتّی روضه های ما با محوریت قرآن و کلمات نورانی اهل بیت پیامبرعلیهم السلام (عِدل قرآن) باشد و از نقل خواب ها، تاریخ ها، لفظبافی ها و داستان های سست بکاهیم و به سراغ نور واقعی برویم و دیگر

شاهد آن نباشیم که

عاشقان امام حسین علیه السلام بهره ی کمی از قرآن ببرند، همان گونه که گروهی دیگر بهره کمی از اهل بیت علیهم السلام می برند و عملاً شاهد جدایی میان جلسات حفظ و قرائت قرآن و شبی با قرآن با جلسات عزاداری و هیآت مذهبی باشیم که کم کم از تاریخ و حماسه ی بسیار مهم کربلا کاسته شود. باید بدانیم که روزگاری علامه امینی هاقدس سره روی منبر بوده اند و امروز که قشر تحصیل کرده بیشتری با سؤالات

فراوان داریم باید چگونه باشیم!؟

خدایا! قرآن را نور فکر، عقیده، قلم، بیان و عملِ فرد و جامعه ی ما قرار بده.

۲- قرآن و امام حسین

قرآن و امام حسین » قرآن و امام حسین

اگر قرآن سیدالکلام است،(۱) امام حسین سید الشهداست.(۲)

اگر در دعای ۴۲ صحیفه ی سجادیه درباره ی قرآن می خوانیم: «و میزانُ قِسط» در زیارت امام حسین علیه السلام می خوانیم: «اشهد انّک امرتَ بالقسط»(۳)

اگر قرآن موعظه ی پروردگار است؛ «موعظه من ربّکم»(۴)، امام حسین علیه السلام در عاشورا فرمود: عجله نکنید تا شما را به حقّ موعظه کنم. «لا تعجلوا حتّی اعظکم بما یحقّ لکم»(۵)

اگر قرآن مردم را به رشد هدایت می کند؛ «یهدی الی الرّشد»(۶)، امام حسین علیه السلام نیز می فرماید: من شما را به راه رشد و سعادت دعوت می کنم. «ادعوکم الی سبیل الرشاد»(۷)

اگر قرآن عظیم است؛ «و القرآن العظیم»(۸) امام حسین علیه السلام نیز سوابق عظیمی دارد. «عظیم السوابق»(۹)

اگر قرآن حقّ و یقینی است؛ «و انّه لحقّ الیقین»(۱۰) در زیارت امام حسین علیه السلام نیز می خوانیم: آنقدر صادقانه و خالصانه عبادت کردی که به درجه ی یقین رسیدی. « حتّی اتاکَ الیقین»(۱۱)

اگر قرآن مقام شفاعت دارد؛ «نعم الشفیع القرآن»(۱۲) امام حسین علیه السلام نیز مقام شفاعت دارد. «وارزقنی شفاعه الحسین»(۱۳)

اگر در دعای چهل و دوّم صحیفه ی سجادیه درباره ی قرآن می خوانیم که پرچم نجات است؛ «عَلَم نجاه» در زیارت امام حسین علیه السلام می خوانیم او نیز پرچم هدایت است. «انّه رایه الهدی»(۱۴)

۱- ۱) مجمع البیان، ج ۲، ص ۳۶۱.

۲- ۲) کامل الزیارات، ص ۷۰.

۳- ۳) جامع الاحادیث شیعه، ج ۱۲ ص ۴۸۱.

۴- ۴) یونس، ۵۷.

۵- ۵) لواعج الاشجان، ص ۲۶.

۶- ۶) جنّ ، ۲.

۷- ۷) لواعج الاشجان، ص ۱۲۸.

۸- ۸) حجر، ۸۷.

۹- ۹) بحار، ج ۹۸، ص ۲۳۹.

۱۰- ۱۰) الحاقه، ۵۱.

۱۱- ۱۱) کامل الزیارات، ص ۲۰۲.

۱۲- ۱۲) نهج الفصاحه، جمله ۶۳۳.

۱۳- ۱۳) زیارت عاشورا.

۱۴- ۱۴) کامل الزیارات، ص ۷۰.

اگر قرآن شـفادهنده است؛ «و نُنزّل من القرآن ما هو شفاء»(۱) خاک قبر امام حسـین علیه السلام نیز شفاست. «طین قبر الحسین شفاء من کلّ داء»(۲)

اگر قرآن، منار حکمت است،(۳) امام حسین نیز باب حکمت الهی است. «السلام علیك یا باب حکمه رب العالمین»(۴)

اگر قرآن امر به معروف و نهی از منکر می کنـد؛ «فـالقرآن آمرٌ و زاجر»(۵)امام حسـین نیز فرمود: هدف من از رفتن به کربلا، امر به معروف و نهی از منکر است. «ارید أن آمر بالمعروف و اَنهی عن المنکر»(۶)

اگر قرآن نور است؛ «نوراً مبینا»(۷)، امام حسین نیز نور است. «کنت نوراً فی الاصلاب الشامخه»(۸)

اگر قرآن برای تاریخ و همه ی مردم است؛ «لم یجعل القرآن لزمانٍ و لالِناس دون ناس»(۹)، درباره امام حسین علیه السلام نیز می خوانیم که آثار کربلا از تاریخ محو نخواهد شد. «لا یدْرس أثره و لایُمحی رسمه»(۱۰)

اگر قرآن، کتاب مبارکی است؛ «کتاب انزلناه الیک مبارک»(۱۱)، شهادت امام حسین علیه السلام نیز برای اسلام سبب برکت و رشد است. «اللّهم فبارک لی فی قتله»(۱۲)

اگر در قرآن هیـچ انحرافی نیست؛ «غیر ذی عـوج»(۱۳) دربـاره ی امـام حسـین علیه السـلام نیز می خوانیم: لحظه ای از حق به باطل گرایش پیدا نکرد. «لم تَمِلْ من حقّ الی باطل»(۱۴)

اگر قرآن، کریم است؛ «انّه لقرآن کریم»(۱۵)، امام حسین نیز دارای اخلاق کریم است. «و کریم الخلائق»(۱۶)

اگر قرآن، عزیز است؛ «انّه لکتاب عزیز»(۱۷)، امام حسین فرمود: هرگز زیر بار ذلّت نمی روم. «هیهات منّا الذّله»(۱۸)

اگر قرآن، ریسـمان محکم است؛ «انّ هـذا القرآن... العروه الوثقی»(۱۹)، امام حسـین نیز کشتی نجات و ریسـمانِ محکم است. «انّ الحسین... سفینه النجاه و العروه الوثقی»(۲۰)

اگر قرآن، بیّنـه و دلیـل آشـکار اسـت؛ «جـائکم بیّنه من ربّکم»(۲۱)، امـام حسـین نیز اینگـونه است. «اَشـهد اَنّـکَ علی بیّنه من ربّک»(۲۲)

اگر قرآن را بایـد آرام و بـا تأنّی تلاوت کرد؛ «و رتّل القرآن ترتیلا»(۲۳) زیارت قبر امام حسـین را نیز باید با گام های آهسته انجام داد. «و امش بمشی العبید الذلیل»(۲۴)

۱- ۱۵) اسراء، ۸۲.

۲- ۱۶) من لایحضر، ج ۲، ص ۴۴۶.

۳- ۱۷) الحیاه، ج ۲، ص ۱۴۰.

۴- ۱۸) مفاتیح الجنان.

۵- ۱۹) نهج البلاغه، خطبه ۱۸۲.

۶- ۲۰) سموّاالمعنی فی سمواالذّات،۹۶.

۷- ۲۱) نساء، ۱۷۴.

۸- ۲۲) کامل الزیارات، ص ۲۳۰.

۹- ۲۳) سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۱۳.

۱۰- ۲۴) مقتل مقرّم، ۳۹۷.

۱۱- ۲۵) ص، ۲۹.

۱۲- ۲۶) مقتل خوارزمی، ج ۱، ص ۱۶۴. (این سخن از پیامبرصلی الله علیه وآله است)

۱۳- ۲۷) زمر، ۲۸.

۱۴- ۲۸) فروع کافی، ج ۴، ص ۵۶۱.

۱۵- ۲۹) واقعه، ۷۷.

۱۶- ۳۰) نفس المهموم، ۷.

۱۷- ۳۱) فصّلت، ۴۱.

۱۸- ۳۲) لهوف، ۵۴.

۱۹- ۳۳) بحار، ج ۹۲، ص ۳۱.

۲۰- ۳۴) پرتوی از عظمت حسین، ۶.

۲۱- ۳۵) انعام، ۱۵۷.

۲۲- ۳۶) فروع کافی، ج ۴، ص ۵۶۵.

۲۳- ۳۷) مزمّل، ۴.

۲۴- ۳۸) کامل الزیارات، ص ۲۲۱.

اگر تلاوت قرآن باید با حزن باشد؛ «فاقروه بالحُزن»(۱) زیارت امام حسین علیه السلام نیز باید با حزن باشد. «فَزُره و انت کئیب شعث»(۲)

آری، حسین علیه السلام قرآنِ ناطق و سیمایی از کلام الهی است.

۳– انگیزه، اخلاص، نشاط و آگاهی در کربلا

قرآن و امام حسین » انگیزه، اخلاص، نشاط و آگاهی در کربلا

بر خلاف دنیای امروز که به ثروت، نیرو، اطلاعات، تخصص، تکنولوژی و حمایت دیگران تکیه دارد، اسلام کارائی و نقش همه ی آنها را در کنار ایمان به خدا، اخلاص، نشاط و انگیزه می داند.

نمونه ها:

نماز بی نشاط، مورد انتقاد قرآن است. «قاموا کسالی»(۳)

انفاق بی نشاط، مورد انتقاد قرآن است. «هم کارهون»(۴)

انجام کار بدون نشاط یا همراه با بهانه گیری، به منزله ی انجام ندادن آن است، بنی اسرائیل چون بعد از بهانه گیره های زیاد، گاوی را ذبح کردند قرآن می فرماید: گویا ذبح نکردند. «فذبحوها و ما کادوا یفعلون»(۵)

بارها قرآن از کسانی که هنگام رفتن به جبهه بی نشاط بودند، انتقاد کرده است. «اثّاقلتم الی الارض»(۶)

از ایمان و توجّه کسانی که تنها به هنگام اضطرار روبه خداوند می کنند، انتقاد کرده و می فرماید: همین که در آستانه غرق شدن قرار گرفتند، خدا را می خوانند ولی همین که نجات یافتند، فراموش می کنند. «فاذا رکبوا فی الفلک دعوا اللّه... فلمّا نجّاهم الی البرّ اذا هم یشرکون»(۷)

ایمان در لحظه ی خطر کار فرعونی است که در آستانه ی غرق شدن گفت: ایمان آوردم و خداوند در پاسخ او فرمود: «آلآن و قد عصیت قبل»(۸)

در کربلا نشاط بود؛ امام حسین علیه السلام فرمود: مرگ مانند گردنبند در سینه دختران جوان است.

فرزند سیزده ساله امام حسن علیه السلام (حضرت قاسم) فرمود: مرگ نزد من از عسل شیرین تر است.

یاران امام حسین علیه السلام می گفتند: اگر بارها زنده شویم باز کشته شویم، دست از تو بر نمی داریم.

۱- ۳۹) وسائل، ج ۴، ص ۸۵۷.

۲- ۴۰) کامل الزیارات، ص ۱۳۱.

۳- ۴۱) نساء، ۱۴۲.

۴- ۴۲) توبه، ۵۴.

۵- ۴۳) بقره، ۷۱.

۶- ۴۴) توبه، ۳۸.

۷- ۴۵) عنکبوت، ۶۵.

۸- ۴۶) یونس، ۹۱.

نشاط بالاتر از رضایت و تسلیم است، ریشه ی نشاط ایمان به راه، رهبر و هدف است و بی نشاطی، نشانه ی باورنداشتن راه، رهبر و هدف است.

اما مسئله ی انگیزه:

اسلام به انگیزه ی انسان بسیار توجّه دارد، حتّی سیر کردن گرسنگان اگر بر اساس اخلاص نباشد و انگیزه ی غیر الهی داشته باشد، بی ارزش است.

یکی از سوره های قرآن سوره ی «عبس» است که در ده آیه ی اوّل آن به شدّت انتقاد می کند که چرا به روی نابینایی عبوس شد، در حالی که نابینا نه عبوسیّت را می بیند و نه خنده را، امّا اسلام اصل عبوس بودن را زشت می داند، نه به خاطر فهمیدن یا نفهمیدن مردم. اسلام ارزشها و ضد ارزشها را واقعی می بیند، نه قراردادی، سیاسی، اقتصادی و تعصّبی.

انگیزه ی امام حسین علیه السلام خودنمایی، قدرت طلبی، انتقام نبود، انگیزه امام و یارانش اصلاح در دین جدّش بود. انگیزه ی یارانش رسیدن به مال، مقام و تظاهر نبود، آنان با خدا معامله کردند و لذا کودک اسیر شده امام، در برابر کاخ بنی امیّه سخنرانی می کند و می فرماید: به عدد دانه های شن خدا را شکر می کنم؛ «الحمدللّه عدد الرمل و الحصی» و زینب کبری پس از شهادت عزیزانش می فرماید: چیزی جز

زیبایی ندیدم؛ «ما رایت الاّ جمیلا» در حالی که اگر انگیزه غیر خدا باشد، باید گلایه ها و ضعف ها و ناسپاسی ها در کار باشد.

خلاصه آنکه گرچه اسلام به آمادگی همه جانبه در برابر دشمن توجه دارد؛ «واعدّوا لهم ما استطعتم من قوّه»(۱)

به آموزش های تخصّصی عنایت دارد، گرچه نزد بیگانگان باشد؛ «اُطلب العلم و لو بالصین»

به حمایت افراد توجّه دارد؛ «تعاونوا علی البّر و التّقوی»(۲)

به ثروت و اطلاعات توجه دارد، اما همه ی اینها به منزله ی عینک وسیله ی دیدن هستند، لکن کار دیدن از چشم است و توفیق تنها از اوست؛ «و ما توفیقی الاّ باللّه»(۳) و نصرت تنها از او می باشد؛ «و ما النصر الاّ من عند اللّه»(۴)

امّا آگاهی:

امروز خلبانان متخصّص، منطقه ای را بمباران می کنند، بدون آنکه بدانند چرا و برای چه؟

در کربلاـ همه ی یاران امام حسین علیه السلام آگاه بودند. از آغاز سفر تا کربلا تمام جملات امام نشانه ی این بود که این سفر کامیابی مادّی نیست و برگشتی ندارد، یک انتخاب آزادانه، آگاهانه، مخلصانه و عاشقانه بود.

در اسلام اشک و سوزی ارزش دارد که بر اساس آگاهی باشد؛ «اعینهم تفیض من الدمع مما عرفوا»(۵)

۱- ۴۷) انفال، ۶۰.

۲- ۴۸) مائده، ۲.

۳- ۴۹) هود، ۸۸.

۴- ۵۰) آل عمران، ۱۲۶.

۵- ۵۱) مائده، ۸۳.

باور و یقین که آمد، انسان در کار خود تردید ندارد. زینب کبری خطاب به یزید می گوید: من تو را پست و کوچک می دانم؛ «انّی لاستصغرکَ»

آری اگر انسان در اثر معرفت و شناخت یقین پیدا کرد، پخته می شود و هیچ پخته ای خام نمی شود، ولی اگر بر اساس احساسات و شعارها داغ شد، ممکن است بعد از مدّتی گرفتار تردید و سرد شود، چون هر داغی سرد می شود.

در قرآن دو نوع دخول داریم: یکی دخول مردم در فضای ایمان و دیگری دخول ایمان در فضای دل. داخل شدن مردم به ایمان آسان است؛ «یدخلون فی دین اللّه افواجا»(۱) امّا داخل شدن ایمان در دل، کار سختی است؛ «و لمّا یدخل الایمان فی قلوبکم»(۲)

اکنون که این سطرها را می نویسم، شبی است که حضرت علی علیه السلام در روز آن در غدیر خم به امامت نصب شد، همانها که «یدخلون فی دین اللّه افواجا» بودند، صحنه را دیدند و تبریک هم گفتند، اما پس از چندی علی علیه السلام را رها کردند، زیرا ایمان در قلبشان داخل نشده بود. این است تفاوت دخول مردم در دین با دخول دین در مردم.

۴- حرکت امام حسین بر اساس قرآن

قرآن و امام حسین » حرکت امام حسین بر اساس قرآن

آیاتی که امام حسین علیه السلام در مسیر راه به آن استناد فرمودند:

آیه اوّل: همین که نماینده یزید در مدینه (مروان) تصمیم گرفت که از امام حسین علیه السلام برای یزید بیعت بگیرد، امام فرمود: «ویلک یا مروان فانّک رجس» وای برتو، تو پلید هستی و ما خانواده ای هستیم که خداوند در شأن ما فرموده است: «انّما یرید اللّه لیذهب عنکم الرّجس اهل البیت و یطهّرکم تطهیرا»(۳) همانا خداوند می خواهد که از شما اهل بیت هر پلیدی (احتمالی، شک و شبهه ای) را بزداید و شما را

چنانکه باید و شاید پاکیزه بدارد.

آیه دوّم: امام حسین علیه السلام در پایان وصیت نامه ای که قبل از حرکت به کربلا نوشتند، به این آیه استناد کردند: «و ما توفیقی الا باللّه علیه توکّلت و الیه اُنیب»(۴) توفیق من جز به (اراده) خداوند نیست که بر او توکّل کرده ام و به او روی آورده ام.

آیه سوّم: همین که برای فرار از بیعت با یزید، از مدینه به سوی مکه خارج شدند (۲۸ رجب)، این آیه را تلاوت فرمودند: «فخرج منها خائفا یترقّب قال ربّ نجّنی من القوم الظالمین»(۵) آنگاه که (موسی) از آنجا ترسان و نگران بیرون شد و گفت: پروردگارا! مرا از قوم ستمکار نجات بده.

۱- ۵۲) نصر، ۲.

۲- ۵۳) حجرات، ۱۴.

۳- ۵۴) احزاب، ۳۳.

۴- ۵۵) هود، ۸۸.

۵- ۵۶) قصص، ۲۱.

آیه چهارم: شیخ مفیدقدس سره می گوید: همین که امام حسین علیه السلام به سوی مدینه رهسپار شد، گروه هایی از جن و فرشته برای یاری آن حضرت حاضر شدند، امّا امام این آیات را تلاوت فرمودند: «اینما تکونوا یدرککم الموت و لو کنتم فی بروج مشیّده»(۱) هرجا که باشید و لو در برجهای استوار سر به فک کشیده، مرگ شما را فرا می گیرد. همچنین آیه ی: «لَبرَز الّذین کتب علیهم القتل الی مضاجعهم»(۲) کسانی که کشته

شدند، در سرنوشتشان نوشته شده بود (با پای خویش) به قتلگاه خود رهسپار می شدند.

آیه پنجم: همین که امام حسین علیه السلام شب جمعه سوم شعبان (قبل از حرکت به کربلا) وارد مکه شدند، این آیه را تلاوت فرمودند: «و لمّا توجّه تلقاء مَدیَن قال عسی ربّی اَن یهدینی سواء السبیل»(۳) و چون رو به سوی مدین نهاد، گفت: باشد که پروردگارم مرا به راه راست راهنمایی کند.

آیه ششم: در مکه همین که با ابن عباس گفتگو می کردند درباره ی بنی امیّه این آیات را تلاوت فرمودند: «انّهم کفروا باللّه و برسوله و لایأتون الصلاه الاّ و هم کُسالی»(۴) آنان به خداوند و پیامبر او کفر ورزیده و جز با حالت کسالت به نماز نپرداخته اند.... و همچنین آیه ی: «یرائون الناس و لایذکرون الله الا قلیلا» با مردم ریاکاری کنند و خدا را جز اندکی یاد نمی کنند. و آیه ی «مذبذبین بین ذلک لا الی

هؤلاء و لا الی هؤلاء و من یضلل اللّه فلن تَجِدَ له سبیلا»(۵) در این میان (بین کفر و ایمان) سرگشته اند، نه جزو آنان (مؤمنان) و نه جزو اینان (نامؤمنان) و هر کس که خداوند در گمراهی واگذاردش، هرگز برای او بیرون شدنی نخواهی یافت. و فرمودند: «کلّ نفس ذائقه الموت و انّما توفّون اُجورکم»(۶) هر جانداری چشنده (طعم) مرگ است و بی شک در روز قیامت پاداشهایتان را به تمامی خواهند داد.

آیه هفتم: در آستانه عید قربان که امام حسین علیه السلام از مکه به سوی کربلا حرکت کردند، نماینده یزید در مکه راه را بر حضرت بست، درگیری با تازیانه رخ داد، به امام حسین گفت: می ترسم شما میان مردم شکاف بیفکنی!! حضرت این آیه را تلاوت فرمودند: «لی عملی و لکم عملکم انتم بریئون مما اعمل و انا بری ء مما تعملون»(۷) عمل من از آن من و عمل شما از آن شما، شما از آنچه من می کنم بری و برکنارید و من از

آنچه شما می کنید بری و برکنارم.

آیه هشتم: همین که در مسیر کربلا خبر شهادت مسلم را شنیدند فرمودند: «انّا للّه و انّا الیه راجعون»(۸) کسانی که چون مصیبتی به آنان رسد، گویند: ما از خداییم و به خدا باز می گردیم.

آیه نهم: در نزدیکی کربلا همین که حُر به امام گفت: چرا آمده ای؟ فرمود: نامه های دعوت شما مرا به اینجا آورد، ولی حالا پشیمان شده اید و این آیه را تلاوت فرمود: «فمَن نَکَث فانّما یَنکُث علی نفسه»(۹) پس هرکس که پیمان شکند، همانا به زیان خویش پیمان شکسته است.

۱- ۵۷) نساء، ۷۸.

۲- ۵۸) آل عمران، ۱۵۴.

۳- ۵۹) قصص، ۲۲.

۴- ۶۰) توبه، ۵۴.

۵- ۶۱) نساء، ۱۴۲ - ۱۴۳.

۶- ۶۲) آل عمران، ۱۸۵.

۷- ۶۳) یونس، ۴۱.

۸- ۶۴) بقره، ۱۵۶.

۹- ۶۵) فتح، ۱۰.

آیه دهم: در مسیر کربلا ـ همین که خبر شهادت نامه رسان خود «قیس بن مسهّر صیداوی» را شنید گریه کرد و این آیه را تلاوت فرمودند: «فمنهم مَن قَضی نَحبَه و منهم مَن یَنتَظر و ما بَدّلوا تَبدیلا»(۱) از ایشان کسی هست که بر عهد خویش (تا پایان حیات) به سربرده است و کسی هست که (شهادت را) انتظار می کشد و هیچ گونه تغییر و تبدیلی در کار نیاورده اند.

آیه یازدهم: همین که فرماندار کوفه (ابن زیاد) نامه رسمی برای حُر فرستاد که راه را بر حسین علیه السلام ببندد و او نامه را به امام عرضه داشت، امام این آیه را تلاوت فرمودند: «و جعلناهم ائمّه یدعون الی النار...»(۲) و آنان را پیشوایانی خواندیم که به سوی آتش دوزخ دعوت می کنند و روز قیامت یاری نمی یابند.

آیه دوازدهم: امام حسین علیه السلام در کربلا ـ درباره لشکر یزید برای دخترش سکینه این آیه را تلاوت فرمود: «اِستَحوَذ علیهم الشیطان فَاَنساهم ذکر اللّه»(۳) شیطان بر آنان دست یافت، سپس یاد خدا را از خاطر آنان برد.

آیه سیزدهم: در روز عاشورا برای لشکر یزید این آیه را تلاوت فرمود: «فاجمعوا اَمرکم و شُرکائکم ثمّ لایکن امرکم علیکم غُمّه ثمّ اقضوا الیّ و لا تنظرون»(۴) شما با شریکانی که قائلید، کارتان را هماهنگ و عزمتان را جزم کنید، سپس در کارتان پرده پوشی نکنید، آنگاه کار مرا یکسره کنید و مهلتم ندهید.

و نیز آیه «انّ ولیّ اللّه الذی نزل الکتاب و هو یتولّی الصالحین»(۵) سرور من خداوند است که (این) کتاب آسمانی را فرو فرستاده است و او دوستدار شایستگان است. و نیز آیه ی: «و انّی عذت بربّی و ربّکم ان ترجمون»(۶) و من از شرّ اینکه سنگسارم کنید، به خود و پروردگار شما پناه می برم. و همچنین آیه ی: «انّی عذتُ بربّی و ربّکم من کلّ متکبر لایؤمن بیوم الحساب»(۷) من به پروردگار خود و پروردگار شما از (شرّ)

هر متکبّری که به روز حساب ایمان ندارد، پناه می برم.

۵- اهداف امام حسین و قرآن

قرآن و امام حسین » اهداف امام حسین و قرآن

در اسلام به همان مقدار که از فساد انتقاد و با آن مقابله شده، نسبت به اصلاح سفارش و تأکید شده است. قرآن تنها به ایمان و تقوای درونی اکتفا نمی کند، بلکه اصلاح را لازمه ی ایمان و تقوی می شمارد. «آمن و اصلح»(۸) و «فمن اتّقی و اصلح»(۹)\

۱- ۶۶) احزاب، ۲۳.

۲- ۶۷) قصص، ۴۱.

۳- ۶۸) مجادله، ۱۹.

۴- ۶۹) یونس، ۷۱.

۵- ۷۰) اعراف، ۱۹۶.

۶- ۷۱) دخان،۲۰.

۷- ۷۲) غافر، ۲۷.

۸- ۷۳) انعام، ۴۸.

۹- ۷۴) اعراف، ۳۵.

خداوند خود اوّل مصلح است؛ «و اصلح بالهم»(۱) و لـذا از مردم نیز خواسته تا اوّل عیب های خود را اصلاح کننـد؛ «تابوا و اصلحوا...»(۲) و سپس به اصلاح جامعه بپردازند. «فاتّقوا اللّه و اصلحوا ذات بینکم»(۳) اصلاح گر هرگز به دنبال فتنه انگیزان نمی رود، «و اصلح و لا تتّبع سبیل المفسدین»(۴) البتّه اصلاحات بایـد بر معیار عـدل و قانون باشد «فاصلحوا بینهما بالعدل و اقسطوا»(۵)

کسی که راههای صلاح و اصلاح را به روی خود ببندد، نابود خواهد شد هر چند فرزند پیامبر باشد؛ «انّه لیس من اهلک انّه عمل غیر صالح»(۶) (ای نوح!) او از خانـدان تو نیست، براستی که عمل او غیر صالـح است. اولیای الهی از خدا درخواست می کردند که به صالحان ملحق شوند. «اَلحِقنی بالصالحین»(۷)

قرآن معمولاً ـ ایمان را همراه عمل صالح بیان کرده است؛ «الـذین آمنوا و عملواالصالحات» اثر بخشی عمل صالح محدود به زمان و مکان نیست و حتّی نسل های بعدی از اعمال پدران صالح خود خیر و بهره می برند. «و کان ابوهما صالحا»(۸)

قرآن هدف از کامیابی از نعمت ها را انجام عمل صالح می داند، «یا ایّها الرّسل کلوا من الطیبات و اعملوا صالحا»(۹) یعنی بهره گیری و کامیابی شما از نعمت ها باید برای انجام کار نیک و عمل صالح باشد.

خداوند متعال حکومت آینده ی زمین را نصیب بندگان صالح خود خواهد کرد. «اِنّ الارض یَرِثُها عبادی الصالحون»(۱۰)

انسان بعد از اصلاح خود، باید به اصلاح دیگران بپردازد و تمام توان خود را در این راه بکار گیرد «ان ارید الا الاصلاح ما استطعت»(۱۱) چیزی جز اصلاح تا سر حد توانم نمی خواهم.

البتّه خداوند متعال اصلاح طلبان واقعی را از کسانی که شعار اصلاح می دهند، جدا می کند و چهره ی مدّعیان دروغین را افشا می کند؛ «قالوا انّما نحن مصلحون ألا اِنّهم هم المفسدون و لکن لایشعرون»(۱۲) آنها می گویند: فقط ما اصلاح طلبیم، آگاه باشید آنها خود فساد کنندگانند، ولی نمی فهمند.

آری، خداوند مصلحین واقعی را می شناسد. «و اللّه یعلم المفسد من المصلح»(۱۳)

خداوند به مصلحان واقعی وعده ی پاداش داده است. «انّا لانضیع اجر المصلحین»(۱۴)

نکته قابل توجه آنکه هر چه میزان فساد بالا برود، تلاش مصلحانه ی بیشتری را طلب می کند. (آری هر چه هوا گرم تر شود، نیاز به آب زیادتر می شود) و هر چه مفسدان خطرناکتر شوند، مصلحان بزرگتری می طلبد. در برابر نمرود جز ابراهیم علیه السلام و در برابر فرعون جز موسی علیه السلام و در برابر یزید جز حسین علیه السلام چه کسانی می توانند مقابله کنند؟!

۱– ۷۵) محمّد، ۲.

۲– ۷۶) نساء، ۱۴۶.

۳- ۷۷) انفال، ۱.

۴- ۷۸) اعراف، ۱۴۲.

۵- ۷۹) حجرات، ۹.

۶- ۸۰) هود، ۴۶.

۷- ۸۱) شعرا، ۸۳.

۸- ۸۲) کهف ۸۲.

۹- ۸۳) مؤمنون، ۵۱.

۱۰- ۸۴) انبیاء، ۱۰۵.

۱۱- ۸۵) هود، ۸۸.

۱۲- ۸۶) بقره، ۱۱ - ۱۲.

۱۳- ۸۷) بقره، ۲۲۰.

۱۴- ۸۸) اعراف، ۱۷۰.

بدیهی است برنامه ی اصلاحات همیشه با نامه و گفت وگو و تذکّر پیش نمی رود، بلکه گاهی شرایطی پیش می آید که باید به استقبال خطر رفت. امام حسین علیه السلام اوّلین مصلِح اسلامی است که به استقبال سخت ترین شداید رفت و جان خود را تسلیم حقّ نموده و به شهادت رسید.

۶- امر به معروف و امام حسین

قرآن و امام حسین » امر به معروف و امام حسین

امر به معروف و نهی از منکر نشانه ی وجدان بیدار، سوز و تعهّد، عشق به مکتب، حضور در صحنه و عشق به مردم است.

امر به معروف و نهی از منکر سبب دلگرمی نیکوکاران، کنترل خلافکاران و حافظ حقوق مظلومان است.

جامعه ی بی تفاوت و ساکت، جامعه ی مرده و بدون رشد است. حضرت لوط به مردمی که در برابر گناه ساکت بودند فرمود «ألیس منکم رجل رشید»(۱) آیا یک انسان رشد یافته در میان شما نیست؟

قرآن شرط بهترین امّت بودن را انجام امر به معروف و نهی از منکر می داند؛ «کنتم خیر اُمّه اُخرجت للناس...»(۲)

آنگاه که قهر خداوند بر خلافکاران نازل شود، خداوند ناهیان از منکر را نجات می دهد. «انجینا الذین ینهون عن السوء و اخذنا الّذین ظلموا بعذاب بئیس»(۳)

یکی از برکات نماز آن است که انسان را از منکرات باز می دارد. «اِنّ الصلوه تَنهی عن الفحشاء و المنکر»(۴)

آمرِ به معروف در پاداش انجام معروف شریک است.(۵)

ترک امر به معروف سبب سلطه ی اشرار می شود.

امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ی تمام انبیا در طول تاریخ است. «و لقد بعثنا فی کل اُمّه رسولاً ان اعبدوا اللّه و اجتَنِبوا الطاغوت»(۶)

امام حسین علیه السلام درباره ی علّت قیام خود فرمودند: مگر نمی بینید که به حقّ عمل نمی شود و از باطل جلوگیری نمی شود.(۷) من بنا دارم (هر چند با شهادت و ریختن خونم باشد) امر به معروف و نهی از منکر کنم. «انّی اُرید أن آمر بالمعروف...»

۱- ۸۹) هود، ۷۸.

۲- ۹۰) آل عمران، ۱۱۰.

۳- ۹۱) اعراف، ۱۶۵.

۴- ۹۲) عنکبوت، ۴۵.

۵- ۹۳) بحار، ج ۹۷، ص ۸۷.

۶- ۹۴) نحل، ۳۶.

۷- ۹۵) بحار، ج ۴۴، ص ۱۹۲.

آری، امر به معروف و نهی از منکر مراحلی دارد که در بعضی مراحل باید تا شهادت پیش رفت. چنانکه خون های مقدّسی در راه آن ریخته شده است. «و یقتلون الذین یأمرون بالقسط من النّاس»(۱)

توجیهات نابجا

بعضی برای سکوت خود توجیهاتی دارند و کلماتی را می گویند از قبیل:

کار از کار گذشته است.

با یک گل بهار نمی شود.

ما و او را در یک قبر نمی گذارند.

عیسی به دین خود، موسی به دین خود.

دیگران هستند، به ما چه ربطی دارد.

در زندگی شخصی افراد دخالت ممنوع است.

نانم قطع شده و مردم از من رنجیده می شوند.

خجالت می کشم و با او رودرواسی دارم.

ولی قیام امام حسین علیه السلام ثابت کرد که با یک حرکتِ خالصانه، می توان تاریخ را متحوّل کرد و با یک گل بهار می شود.

ما باید با طاغوت ها مبارزه کنیم، زیر پا و سُم اسب برویم ولی زیر بار زور نرویم. سر به نیزه دهیم ولی در برابر ظلم سر خم نکنیم و نباید تصوّر کنیم که آثار امر به معروف و نهی از منکر فوری است، زیرا گاهی آثار یک کلام یا قیام و حرکت، بعد از سال ها جلوه می کند.

۷- جلوه های قرآن در کربلا

قرآن و امام حسین » جلوه های قرآن در کربلا

قرآن بارها می فرماید: به منطق و حقّ فکر کنید، نه به تعداد نفرات و تعبیراتی از قبیل: «اکثرهم لاـ یعملون»(۲)، «اکثرهم فاسقون»(۳)، «اکثرهم کاذبون»(۴) را به کار برده است.

قرآن می فرماید: هر گامی و کلامی باید بر اساس بصیرت باشد «ادعوا الی اللّٰه علی بصیره اَنا و مَن اتّبعنی»(۵) امام حسین علیه

السلام و حضرت ابوالفضل و اصحاب علیهم السلام روز عاشورا ده سخنرانی کوتاه برای موعظه و ارشاد مردم داشتند.

قرآن، از ایثارگران تجلیل می کند؛ «و یؤثرون علی انفسهم»(۶)، در کربلا- جلوه های بسیاری از ایثار به چشم می خورد که نمونه ی بارز آن ایثار حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام است.

۱- ۹۶) آل عمران، ۲۱.

۲- ۹۷) انفال، ۳۴.

۳- ۹۸) توبه، ۸.

۴- ۹۹) شعراء، ۲۲۳.

۵- ۱۰۰) یوسف، ۱۰۸.

۶- ۱۰۱) حشر، ۹.

قرآن به عفو کردن و پـذیرش عـذر مردم سـفارش می کنـد که نمونه ی بارز آن در کربلا عفو و بخشـش حرّبن یزیـد ریاحی است.

قرآن می فرماید: «و العاقبه للمتّقین»(۱)و «و العاقبه للتقوی»(۲) نـام نیکی از دهها هزار جنایتکار در کربلا نیست، امّا نام ۷۲ تن سرباز امام حسین علیه السلام همچنان زنده است.

قرآن می فرمایـد: ای پیـامبر! ما نامت را بلنـد داشتیم؛ «و رفعنا لک ذکرک»(۳)، در کربلا نام حسـین علیه السـلام برای همیشه بلند آوازه ماند.

قرآن می فرمایـد: «واُمرت لاـن اکـون اوّل المسـلمین»(۴) یعنی رهبر بایـد پیشـگام باشـد و در کربلاـ امـام حسـین علیه السـلام فرزندش علی اکبرعلیه السلام را قبل از جوانان بنی هاشمی به میدان نبرد فرستاد.

قرآن می فرماید: «فاستقم کما اُمرتَ و مَن تابَ مَعَک»(۵) ای پیامبر! تو و یارانت استقامت بورزید، در کربلا بهترین جلوه های استقامت را در امام حسین ویارانش علیهم السلام می بینیم.

قرآن به جـای نـام بردن از افراد، ملاـک ها و معیارها را بیان می کنـد. مثلاً می فرمایـد: مولای شـما کسـی است که در رکوع نمازش انگشتر خود را به فقیر داد و در یک لحظه بین نماز و زکات را جمع کرد، و این مردمند که باید جستجو کرده مصداق آیه را پیدا کنند، در کربلا امام حسین علیه السلام نفرمود: من با یزید بیعت نمی کنم، بلکه فرمود: «مثلی لایبایع مثله» یعنی خطِ ستیز حقّ و باطل در طول تاریخ بوده، هست و

خواهد بود. قرآن می فرماید: بدی های مردم را با خوبی جواب دهید؛ «ویدرؤن بالحسنه السیئه»(۶)، در کربلا حُرّ راه را بر امام می بندد، ولی امام حسین علیه السلام به تشنگان لشکر حُر و حتّی به اسب های آنها آب می دهد.

قرآن پیروی از خـدا و اولیای الهی و وفاداری را سـفارش می کنـد، برخی یاران امام حسـین علیه السـلام که جان خود را برای نماز ظهر عاشورا سپر کرده و تیرها را به جان خریدند هنگامی که امام بعد از نماز و در لحظه آخر عمر آنان بالای سرشان آمد آنها پرسیدند: آیا وفا کردیم؟ گویا تا آن لحظه نسبت به وفاداری خود شک داشتند!

قرآن در بسـیاری از آیات سـفارش به توحیـد می کنـد، جمله ای که امام حسـین علیه السـلام فرمود: «لا معبود سواک» بهترین جلوه ی این آیات است.

قرآن به نهی از منکر و غیرت دینی و دفاع از حریم سفارش می کند، در کربلا آخرین جمله امام حسین علیه السلام در گودی قتلگاه به لشکر یزیـد این بود که به خیمه های من حمله نکنیـد و ناموس مرا پاس داریـد و اگر دین ندارید لا اقل در دنیا آزاد مرد باشید!

۱- ۱۰۲) اعراف، ۱۲۸.

۲- ۱۰۳) طه، ۱۳۲.

۳- ۱۰۴) انشراح، ۴.

۴- ۱۰۵) زمر، ۱۲.

۵- ۱۰۶) هود، ۱۱۲.

۶- ۱۰۷) رعد، ۲۲.

قرآن به تسلیم و رضا در پیشگاه خدا سفارش می کند، امام حسین علیه السلام نیز که روزی بر دوش پیامبراسلام صلی الله علیه وآله و روزی زیر سُم اسبان بود، در هر حال راضی و تسلیم خداوند است.

۸- عزّت و ذلّت در کربلا

قرآن و امام حسین » عزّت و ذلّت در کربلا

در برنامه های اسلام به مسئله ی عزّت توجه خاصی شده است. پرستش خداوند عزیز، عزّت آفرین است، اما بندگی در برابر غیر خدا (خواه جمادات یا غیر آن) ذلّت است. «کفی بی عزّاً اَن اکون لک عبداً»

گذاشتن دست انسان در دست رهبران غیر معصوم، توهین به انسانیّت و به ذلّت کشاندن بشر است.

برای غیر خدا کار کردن (هر چیز و هرکس که باشد) باختن و خسارت است؛ «خابَ الوافِدن علی غیرک و خَسِرَ المتعرّضون الاّ لک»

اگر دراسلام غیبت کردن، نسبت ناروا دادن، توهین، تمسخر، تحقیر، افشاگری، طعنه و نیش زدن، منّت گذاشتن، مردم را با نام بد صدا زدن و فحش و ناسزا حرام است، به خاطر آن است که در این کارها عزّت دیگران شکسته می شود.

اگر ستایش ستمگر عرش خدا را به لرزه می آورد، چون درآن عزیز کردن نااهلان است.

اگر انسان حق ندارد عیوب و گناهان و ضعف های خود را حتّی برای نزدیک ترین دوستانش نقل کند، به خاطر حفظ عزّت است.

اگر به تشیع جنازه، رسیدگی به فقرا، عیادت بیماران، وام دادن، دید و بازدید، کتمان عیب دیگران سفارش شده است، به خاطر حفظ عزّت انسان هاست.

اگر به صبر و قناعت وترک سؤال از مردم و چاپلوسی سفارش شده است، به خاطر عزّت انسان هاست.

به چند نکته توجه کنید:

۱- عزّت به معنای نفوذناپذیری است، نه داشتن امکانات. ممکن است کسی هیچ گونه امکانات مادی نداشته باشد، ولی هیچ تهدید و تطمیعی در او اثری نکند، این فرد عزیز است و ممکن است کسی همه گونه امکانات داشته باشد، ولی باز هم افراد و یا اشیایی در او اثر بگذارند که این گونه افراد ذلیلند.

ص: ۱۳

۲- سرچشمه ی همه ی عزّت ها خداست. در قرآن مکرّر می خوانیم: «اِنّ العزّه للّه جمیعا» قرآن عزّت خواهی از غیر خدا را نکوهش می کند. «أیبتغون عندهم العزّه»(۱)

۳- فروتنی در برابر حق عزّت است؛ «العزّ ان تذلّ للحقّ»(۲) شیطان عزّت خود را از نژادِ آتشی خود می طلبید، در حالی که عزّت او در سایه طاعت خدا بود.

عزّت های دنیوی در حقیقت ذلّت است. امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: دنیا به گونه ای است که عزّت آن ذلّت است، داشتن مرکب زیبا که به ظاهر عزّت است، در واقع نوعی وابستگی و اسیر شدن نسبت به آن است. باغ و بستان به ظاهر برای کشاورز عزّت است، امّا تا تمام عمر و قدرت او را نگیرد خودش را عرضه نمی کند.

عزّتی ارزش دارد که سبب تکبّر و فخرفروشی نگردد و به هر مقدار که بیشتر شد، انسان در درون، خودش را کوچک تر احساس کندو فروتنی کند؛ «الهی اعزّنی و لاتبتلینی بالکبر و لا تحدث لی عزّاً ظاهراً الا اَحدثتَ لی ذلّه باطنه عند نفسی بقدرها»(۳) قرآن سلطه ی کفار را بر مؤمنین ممنوع می داند؛ «لن یجعل اللّه للکافرین علی المؤمنین سبیلاً»(۴)

قرآن پذیرفتن ظلم را مثل ظلم کردن حرام می داند. «لاتَظلِمون و لا تُظلِمون»(۵)

قرآن زندگی با ذلّت را مرگ و مرگ با عزّت را زندگی می داند.

قرآن آنچه را ملاک دانسته، در راه خدا بودن است، نه کشتن و نه کشته شدن؛ «اِنّ اللّه اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بانّ لهم الجنّه... فیَقتلون و یُقتلون»(۶)

قرآن به انسان عزّت داده و فرموده:

هستی برای توست؛ «خلق لکم»(۷)

روح خدا در توست؛ «نفخت فیه من روحی»(۸)

تو مسجود فرشتگان هستی؛ «فسجدوا الا ابلیس»(۹)

تو جانشین خدا هستی؛ «انّی جاعل فی الارض خلیفه»(۱۰)

سرپرست شما خداست؛ «اللّه ولیّ الذین آمنوا»(۱۱)

انبیا پدران شما هستند؛ «ملّه ابیکم ابراهیم»(۱۲)

آفرینش تو هدفدار است؛ «و ماخلقت الجن والانس الا لیعبدون»(۱۳)

در کربلا جلوه ی عزّت الهی را می بینیم، نوجوان ۱۳ ساله ای به نام حضرت قاسم می گوید: اگر مسئولین جامعه ی اسلامی

یزید و طرفدارانش هستند، پس مرگ از عسل شیرین تر است.

امام حسین علیه السلام می فرماید: بنی امیّه مرا بین شهادت و بیعت (سازش) مخیّر ساخته است، «هیهات من الذلّه»، در کربلا بدن امام سوراخ سوراخ شد، اما به عزّتش لطمه ای وارد نشد،

ص: ۱۴

۱- ۱۰۸) نساء، ۱۳۹.

۲- ۱۰۹) بحار، ج ۷۸، ص ۲۲۸.

۳- ۱۱۰) دعای مکارم الاخلاق.

۴- ۱۱۱) نساء، ۱۴۱.

۵- ۱۱۲) بقره، ۲۷۹.

۶- ۱۱۳) توبه، ۱۱۱.

۷- ۱۱۴) بقره، ۲۹.

۸- ۱۱۵) حجر، ۲۹.

۹- ۱۱۶) بقره، ۳۴.

۱۰- ۱۱۷) بقره، ۳۰.

۱۱- ۱۱۸) بقره، ۲۵۷.

۱۲- ۱۱۹) حج، ۷۸.

۱۳- ۱۲۰) ذاریات، ۵۶.

انواع غمها بر حضرت زینب وامام سجادعلیهما السلام وارد شد، اما جلوه های عزّت آنها در خطبه ها، تار وپود نظام بنی امیه را از هم گسست.

۹- نماز و امام حسین

قرآن و امام حسین » نماز و امام حسین

* اگر قرآن در آغاز بزرگ ترین سوره ی خود (بقره) می فرماید: «الّذین یؤمنون بالغیب و یقیمون الصلوه»(۱) و همچنین در کوچک ترین سوره ی خود (کوثر) از نماز سخن به میان می آورد، امام حسین علیه السلام آن را اقامه می نماید. «اَشهد انّک قد اقمت الصلوه»(۲)

* اگر قرآن می فرماید: «و ارکعوا مع الراکعین»(۳)، امام حسین علیه السلام نماز را با جماعت آن هم در برابر صفوف دشمن برگزار می کند.

* اگر قرآن نحوه ی اقامه نماز در میدان جنگ را به پیامبرصلی الله علیه وآله آموزش می دهد؛ «و اذا کنتَ فیهم فاقمت لهم الصلوه فلتقم طائفهٌ منهم معک ولیأخذوا اسلحتهم...»(۴)، امام حسین علیه السلام در میدان جنگ نماز را اقامه می فرماید.

* اگر قرآن نماز را به عنوان یک منبع انرژی زای غیبی معرّفی و مؤمنان را امر به استعانت از آن می فرماید: «استعینوا بالصبر و الصلوه»(۵)، امام حسین علیه السلام نیز در بحبوحه ی جنگ و مشکلات آن، از نماز استعانت می جوید.

* اگر قرآن اقامه ی نماز را در اوّل وقت سفارش می فرماید؛ «اقم الصلوه لدلوک الشمس»(۶)، امام حسین علیه السلام نماز ظهر عاشورا را در اوّل وقت اقامه فرمودند.

* اگر حضرت عیسای مسیح علیه السلام تا زمانی که نفس دارند، مأمور به اقامه نماز شده اند؛ « و اوصانی بالصلوه و الزکوه ما دمت حیّا»(۷)، امام حسین علیه السلام نیز تا آخرین لحظه همراه نماز است.

* اگر قرآن از کسانی که تجارت، آنها را از نماز غافل نمی سازد، ستایش می کند؛ «رجال لا تلهیهم تجاره و لا بیع عن ذکر اللّه و اقام الصلوه»(۸)، راجع به امام حسین علیه السلام چه باید گفت که حتّی حفظ جان هم او را از نماز غافل نساخت.

* امام حسین علیه السلام نه تنها خود نماز خواند که نمازهای نمازگزاران را نماز کرد. در حدیث می خوانیم: سه چیز موجب قبولی نماز است: حضور قلب، نماز نافله و تربت سیدالشهدا.

* امام حسین علیه السلام به خواهرش زینب علیها السلام می فرماید: در نمازت به من دعا کن.

* نماز باید در جامعه و علنی اقامه شود؛ «اقیموا الصلوه» و امام حسین علیه السلام با آنکه می توانست در خیمه نماز بخواند و با اینکه نمازش شکسته بود، در مقابل جمعیت نماز بپا داشت.

۱- ۱۲۱) بقره، ۳.

۲- ۱۲۲) زیارت عاشورا.

۳- ۱۲۳) بقره، ۴۳.

۴- ۱۲۴) نساء، ۱۰۲.

۵- ۱۲۵) بقره، ۱۵۳.

۶- ۱۲۶) اسراء، ۷۸.

۷- ۱۲۷) مریم، ۳۱.

۸- ۱۲۸) نور، ۳۷.

هنگـام اقامه ی نماز در ظهر عاشورا، ۳۰ تیر به سوی حضـرت رها شد، یعنی در برابر هر کلمه از حمد و رکوع و سـجده تقریبا یک تیر به امام پرتاپ شد.

* به راستی نماز چیست که در عصـر تاسوعا هنگامی که به سـید الشـهداعلیه السلام پیشنهاد حمله می شود، حضرت طی چند نوبت گفتگو جنگ را یک روز به تأخیر می اندازند و می فرمایند: «انّی اُحبّ الصـلوه» و نفرمود: می خواهم نماز بخوانم، بلکه فرمود: من نماز را دوست دارم. بسیاری از ما نماز می خوانیم، ولی چقدر نماز را دوست داریم؟

زراره از امام صادق علیه السـلام در باره کعبه پرسـید: دهها سال است که هرگاه درباره ی حج و کعبه از شـما سوال می کنم، پاسخ جدیدی می دهید، علم شـما به کجا متّصل است؟ امام فرمودند: آیا می خواهی کعبه ای که هزاران سال قبل از آدم بوده با چند کلمه اسرارش تمام شود.

این در حـالی است که کعبه و تمـامی اسـرار و رموز آن که امـام به آن اشـاره فرمودنـد، تنهـا قبله ی نماز است و قبله، یکی از شرایط نماز!!

* امام حسین علیه السلام حاضر می شود تا بدن مبارکشان سوراخ سوراخ شود، ولی ارزش نماز شکسته نشود. سر مقدّس سید الشهدا بر روی نی قرآن می خواند، یعنی سر از بدن جدا می شود ولی سر و دل از قرآن جدا نمی شود.

عزادارن حسـینی! ظهر عـاشورا در هر کجا هستیـد، به یاد امام حسـین علیه السـلام و آخرین نماز کربلای او، همراه با حضـرت مهدی (عجل اللَّه تعالی فرجه الشریف) نماز ظهر عاشورا را باشکوه و با اخلاص بپا دارید.

۱۰- قرآن و یاد شهدا

قرآن و امام حسین » قرآن و یاد شهدا

در قرآن از افراد ترسو و تن پرور به شـدت انتقاد شده است؛ «یخشون النّاس کخشـیه اللَّه»(۱) و «لا طاقه لنا الیوم»(۲) و از افراد شجاع ستایش شده است. مثلاً بعضی برای تضعیف روحیّه ی مسلمین می گفتند: دشمنان شما زیادند ولی مؤمنین به جای ترس ایمانشان زیاد می شود؛ «انّ النّاس قد جمعوا لکم فاخشوهم فزادهم ایماناً»(۳)

قرآن از کسانی که عاشق جبهه هسـتند و بخاطر نداشـتن امکانات اشک می ریزنـد سـتایش می کنـد «اعینهم تفیض من الـدَّمع حَزناً الا یجدوا ما ینفقون»(۴)

قرآن از کسانی که برای خون دادن تسلیم فرمان هستند (گرچه خونشان ریخته نشود) ستایش می کند. «فلمّا اسلما وتلّه للجبین و نادیناه أن یا ابراهیم قد صَدّقتَ الرؤیا»(۵)

۱- ۱۲۹) نساء، ۷۷.

۲- ۱۳۰) بقره، ۲۴۹.

۳- ۱۳۱) آل عمران، ۱۷۳.

۴- ۱۳۲) توبه، ۹۲.

۵- ۱۳۳) صافّات، ۱۰۳ - ۱۰۵.

قرآن کسی را که در جبهه از خود شهامت نشان می دهد لایق مقام می داند. «قتل داود جالوت آتاه اللّه الملك و الحکمه و علّمه مما یشاء»(۱)

قرآن یکی از ارزشهای حضرت ابراهیم را جرأت او بر شکستن بت ها می داند. «وتاللَّه لَاَکیدنّ اصنامکم»(۲)

قرآن می فرماید: چه بسا پیامبرانی که با همراهان مخلص به جبهه و جنگ رفتند و در برابر سختی ها سستی نورزیدند و از خود ضعف نشان نداده و سر فرود نیاوردند و اینگونه کار و روحیّه ی آنان را می ستاید. «و کأیّن من نبیّ قاتل معه رِبّیونَ کثیرٌ فما وَهَنوا لِما اصابهم فی سبیل اللَّه و ما ضَعُفوا و مااستکانوا و اللَّه یحبّ الصابرین»(۳)

شاید یکی از اسرار مهم مراسم حج که بر تمام حجاج بیت اللَّه واجب شده است تا شبهایی را در بیرون مکه (بیابان منی) بمانند، آن است که آنجا قربانگاه اسماعیل و محل مبارزه حضرت ابراهیم با شیطان است.

آری وجوب توقّف در قتلگاه اولیای خدا، یک عزاداری عملی و بیادماندن یاد شهداست.

در برابر این گروه، قرآن از گروه هایی به شدّت انتقاد کرده است از جمله:

۱ – کسانی که تنها به زندگی دنیا دل بسته اند. «أرضیتم بالحیوه الدنیا»(۴)

۲ – کسانی که رفاه زندگی را محبوب تر از جبهه و جهاد می دانند. «قل ان کان ابائکم و ابنائکم و اخوانکم و ازواجکم و عشیرتکم و اموال اقترفتموها و تجاره تخشون کسادها و مساکن ترضونها أحبّ الیکم من اللَّه و رسوله و جهاد فی سبیله فتَربّصوا...»(۵)

۳ – کسانی که از دشمن می ترسند. «قالوا لاطاقه لنا الیوم بجالوت و جُنوده»(۶)

۴ – کسانی که مسئله نا امنی خانه را مطرح می کنند و برای فرار از جبهه و جنگ، از پیغمبر مرخّصی می خواهند. «یقولون اِنّ بُیوتنا عوره و ما هی بعوره ان یریدون الا فرارا»(۷)

۵ – کسانی که از پیامبر برای شرکت در جبهه عذرخواهی می کنند و بهانه می گیرند که شرکت ما در جنگ تبوک سبب گناه می شود، زیرا در برخورد با رومیان به دخترانشان نگاه خواهیم کرد و گرفتار فتنه و گناه خواهیم شد. در حالی که بزرگ ترین فتنه و گناه که در آن غرق شده اند، فرار از جبهه و تنها گذاشتن پیامبر است. «و منهم مَن یقول ائذن لی و لا تَفتِنّی اَلا فی الفتنه سقطوا»(۸)

کسانی که گرمی هوا را برای ترک جنگ بهانه قرار دادند. «قالوا لا تَنفروا فی الحَّر قل نارُ جهنّم اشدُّ حرّا»(۹)

کسانی که به خاطر نرفتن به جبهه خوشحالند. «فرح المخلّفون بمَقعَدهم خلاف رسول اللَّه»(۱۰)

۱- ۱۳۴) بقره، ۲۵۱.

۲- ۱۳۵) انبیاء، ۵۷.

۳- ۱۳۶) آل عمران، ۱۴۶.

۴- ۱۳۷) توبه، ۳۸.

۵- ۱۳۸) توبه، ۲۴.

۶- ۱۳۹) بقره، ۲۴۹.

۷- ۱۴۰) احزاب، ۱۳.

۸- ۱۴۱) توبه، ۴۹.

۹- ۱۴۲) توبه، ۸۱.

۱۰- ۱۴۳) توبه، ۸۱.

خداونـد به پیامبرش دسـتور می دهد بر مرده ی مرفّهانِ بی درد و منافقانِ ترسو و فراریان از جبهه نماز نگزار و حتّی بر سـر قبر فراریان نباید حاضر شد، پس بر مزار شهدا باید حاضر شد.

حضـرت فاطمه علیها السـلام هر هفته دوبار (دوشـنبه و پنجشـنبه) پیاده چند کیلومتر راه را از منزل تا مزار شهدای اُحد طی می کرد و حتّی مقـداری خـاک قبر شـهید را به خانه برد و از آن دانه های تسبیـح ساخت و در دست می چرخانـد تا بـدین وسـیله شهدا فراموش نشوند.

خداوند آنچه در زمین و آسـمان است آفرید؛«اللّه الذی خلق السـموات و الارض»(۱) و آن را مسـخّر بشر قرار داد؛ «سَخّر لکم ما فی السموات و ما فی الارض»(۲) و بشـر را برای عبادت و بندگی آفرید؛ «وما خلقت الجنّ و الانس الاّ لِیَعبدون»(۳) و قلّه ی عبادت نماز است و قلّه ی نماز سـجده است که در سجده بهتر است بر خاک کربلا و تربت شهید سجده کنیم تا شهدا فراموش نشوند.

در آداب سـفر حج می خوانیم: کسی که مکه رود و پیامبر را در مدینه زیارت نکند، جفاکار است و کسی که به مدینه رود و پیامبر را زیارت کند و شـهدای اُحد را در کنار مدینه زیارت نکند، جفا کرده است، بنابراین چنین نتیجه می گیریم که الوهیّت مکه به نبوّت مدینه و نبوّت مدینه به شهادت اُحد پیوند خورده است. یعنی مکه به مدینه وابسته و مدینه به اُحد.

آیا در این سرّی نیست که شهدای اُحد ۷۲ نفر بودند و شهدای کربلا ۷۲ نفر و شهدای حزب جمهوری هم ۷۲ نفر بودند؟!

۱۱- زیارت عاشورا در سایه قرآن

قرآن و امام حسین » زیارت عاشورا در سایه قرآن

یکی از اصولی که قرآن بر آن اصرار دارد، عشق به خوبان و خوبی ها و تنفّر از بدان و بدی هاست.

قرآن می فرمایـد: از ابراهیم بیـاموز که چگونه از عموی منحرف خود اظهـار بیزاری کرد؛ «فلمّا تبیّن له انّه عـدوّ للّه تبرّء منه انّ ابراهیم لاوّاه حلیم»(۴) آن گاه که برای ابراهیم آشـکار شـد که او دشـمن خـداست از او بیزاری جست، با آنکه ابراهیم بسـیار دلسوز و بردبار است.

پیامبر صـلی الله علیه وآله مأمور است که به مشرکان بگوید: «انّنی بریٌ ممّا تشرکون»(۵) من از آنچه شما شریک خدا قرار می دهید، بیزارم.

سوره ی برائت نشان گر آن است که تنها علاقه به خوبی ها کافی نیست، بلکه باید با بیان و فریاد، گفتن و نوشـتن، نامه و ناله و اشک و عمل، از بدیها بیزاری جست و نسبت به آنها ابراز تنفر کرد.

۱- ۱۴۴) ابراهیم، ۳۲.
۲- ۱۴۵) لقمان، ۲۰.
۳- ۱۴۶) ذاریات، ۵۶.
۴- ۱۴۷) توبه، ۱۱۴.
۵- ۱۴۸) انعام، ۱۹.

هر سال میلیون ها مسلمان در سرزمین منی در کنار خانه ی خدا به پیروی از ابراهیم علیه السلام در سه روز پشت سر هم به سوی نماد شیطان، ۴۹ سنگ پرتاب کرده و از شیطان و شیطان نماها برائت می جویند.

جالب آنکه بعد از پرتاب سنگ ها به سوی شیطان، این دعا را می خوانند: «خدایا حج من را قبول کن» که این رمز آن است که قبولی حج با طرد شیطان وشیطان نماها همراه است.

ناگفته پیداست که شیطان در هر زمان به شکل و صورتی است، چنانکه امام راحل قدس سره فرمود: آمریکا شیطان بزرگ است.

در زیارت عاشورا به امام حسین علیه السلام و یارانش صد مرتبه سلام می دهیم و در مقابل به دشمنان او که دشمنان دین و خدایند، صد بار لعنت می کنیم.

تکرار پرتاب سنگ در سرزمین منی به شیطان و تکرار لعنت در زیارت عاشورا، نشان دهنده ی آن است که باید با محبّت خوبان و بغض دشمنان خو بگیریم و خو گرفتن در اثر تکرار است.

حضرت علی علیه السلام متولّد کعبه و خانه زاد خداست، خداوند می فرماید: به دور کعبه بچرخید تا در طواف خانه خدا عشق علی و فکر و راه او در جان شما جای گیرد. انسان بی عشق و تنفّر، همانند حیوانی است که فقط نفس می کشد.

در هر شبانه روز ده مرتبه از خداوند می خواهیم که ما را در راه اولیای خود ثابت قدم بدارد؛ «اهدنا الصراط المستقیم صراط الّذین انعمت علیهم» و از راه منحرفان و غضب شدگان بیزاری می جوییم «غیر المغضوب علیهم و لا الضّالّین» سنگ کعبه را می بوسیم، ولی از سنگ جمرات با پرتاب سنگریزه ها به آن، ابراز نفرت می کنیم.

روز عرفه به عشق حسین علیه السلام و دعای او اشک می ریزیم، ولی فردای آن در عید قربان، کارد به دست، خون می ریزیم و قربانی می کنیم. با یک دست دعا و با دست دیگر سلاح.

آری مسلمانان باید در تمام شئون زندگی اینگونه باشند.

امام جمعه ی مسلمین بر لبش فرمان تقوی و در چشمش اشک و بر دستش سلام و گام هایش استوار در قیام است، فکرش آگاه به آفاق و ذهنش انباشته از علم است. واین معنای جامعیّت نمایندگان مکتبی و علما و خطبا در اسلام است.

اگر به امام حسین علیه السلام سلام می گوییم، از قرآن آموخته ایم که به پیام آوران آسمانی و رهروان الهی سلام می گوید: «سلام علی نوح فی العالمین»(۱)، «سلامٌ علی ابراهیم»(۲)، «سلام علی موسی و هارون»(۳)، «سلام علی آل یاسین»(۴)

اگر به پیامبر صلی الله علیه وآله صلوات می فرستیم، از قرآن یاد گرفته ایم که می فرماید: «اِنّ اللّه و ملائکته یصلون علی النّبی»(۵) خداوند و فرشتگان بر پیامبر درود می فرستند و اگر ما بر

۱- ۱۴۹) صافّات، ۷۹.

۲- ۱۵۰) صافّات، ۱۰۹.

۳- ۱۵۱) صافّات، ۱۲۰.

۴- ۱۵۲) صافّات، ۱۳۰.

۵- ۱۵۳) احزاب، ۵۶.

بنی امیه و غاصبان حکومت حقّ و تبهکاران تاریخ بشریّت، لعن و نفرین می کنیم، باز از قرآن آموخته ایم که می فرماید: «اِنّ الّذین یؤذون اللّه و رسوله لعنهم اللّه فی الدنیا و الاخره»(۱) آنان که خدا و

پیامبرش را اذیّت می کنند، خداوند آنها را در دنیا و آخرت لعنت می کند.

ما نفرین و لعن به دشمنان خدا را از انبیا یاد گرفته ایم؛ «لعن الّذین کفروا من بنی اسرائیل علی لسان داود و عیسی بن مریم»(۲) کافران بر زبان داوود و عیسی بن مریم لعن شده اند.

ما نفرین را از سیره ی پیامبر اسلام آموخته ایم که در ماجرای مباهله فرمودند: «ثمّ نَبتَهِل فنجعل لعنه اللّه علی الکاذبین»(۳) ما با هم مباهله می کنیم و لعنت خدا را برای دروغگویان قرار می دهیم.

بعضی از مجرمان را نه تنها خدا و پیامبران لعن و نفرین می کنند، بلکه تمام موجودات با شعور هستی نیز آنان را دائماً لعنت می کنند. «اولئک یلعنهم اللّه و یلعنهم اللاعنون»(۱۵۷)

کوتاه سخن آنکه سلام و نفرین ما در تمام زیارت ها به خصوص زیارت عاشورا، برخاسته از فرهنگ و روح قرآن است.

۱۵۷) بقره، ۱۵۹.

۱- ۱۵۴) احزاب، ۵۷.

۲- ۱۵۵) مائده، ۷۸.

۳- ۱۵۶) آل عمران، ۶۱.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹